

خبر حوادث

راننده فداکار اتوبوس
مرگ در پیچ سوم

رئیس پلیس راهنمایی و رانندگی تهران بزرگ اظهار کرد: چون وسعت واحد دانشگاهی علوم و تحقیقات زیاد است و در قسمت مرتفعی قرار گرفته، دانشگاه برای جابه جایی دانشجویان خود سرویس هایی را به کار گرفته و پیمانکاری را اختیار کرده که کار جابه جایی دانشجویان را در بین دانشکده ها، از در ورودی و بالعکس انجام می دهد.

سردار محمدرضا مهناندار اظهار کرد: این حادثه ۱۲:۲۱ دقیقه روز سه شنبه در معابر داخلی واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی اتفاق افتاده است. چون وسعت این واحد دانشگاهی زیاد است و در قسمت مرتفعی قرار گرفته، دانشگاه برای جابه جایی دانشجویان خود سرویس هایی را به کار گرفته و پیمانکاری را اختیار کرده که کار جابه جایی دانشجویان را در بین دانشکده ها، از در ورودی و بالعکس انجام می دهد. مهناندار در همین رابطه افزود: این اتوبوس از دانشکده فنی و مهندسی که در انتهای خط و بالاترین نقطه قرار گرفته حرکت می کند که در آن راننده و ۳۴ سرنشین حضور داشته اند. بر اساس اظهارات مصدومین و مجروحین حادثه، اتوبوس در دانشکده تربیت بدنی مسافری نداشته و توقف نمی کند. هنگامی که به ایستگاه کتابخانه می رسد، توقف نمی کند و چند دانشجو که قصد داشتند در آن ایستگاه پیاده شوند به راننده اعتراض می کنند که راننده می گوید اتوبوس ترمز ندارد. وی تصریح کرد: آن مسیر پیچ های زیادی دارد و چند سرعت گیر هم در مسیر وجود دارد. بعد از اینکه سیستم ترمز اتوبوس از کار می افتد، از آنجایی که سرعت گرفته بوده، نتجستین سرعت گیر را که رد می کند، دانشجویان بلند شده و سپس به پایین پرت می شوند.

در همین حین راننده به آن ها اعلام می کند که خودرو ترمز ندارد و از دانشجویان می خواهد به سمت عقب اتوبوس بروند. مهناندار اظهار کرد: وزن اتوبوس و مسافران شتاب را بیشتر می کند. به گفته برخی از دانشجویان اتوبوس در حال پرواز بوده است. راننده یکی دو پیچ را که باز تر بوده، می تواند رد کند. به پیچ انتهایی می رسد که ۱۳۰ تا ۱۴۰ درجه زاویه دارد. به نظر می رسد راننده تشخیص داده که آن پیچ رانمی تواند رد کند. وی در همین رابطه افزود: از ایستگاه کتابخانه که متوجه می شود ترمز ندارد تا قبل از پیچ آخر که وارد فضای سبز می شود، ۶۷۵ متر را طی می کند. راننده احتمالاً امید داشته که بتواند با ورود به فضای سبز، سرعت اتوبوس را کاهش دهد. این در حالی است که در ختان آن بخش نهال های کوچکی وجود داشته و کمکی نمی کنند.

رئیس پلیس راهنمایی و رانندگی تهران بزرگ گفت: یک تأسیسات بتنی که مربوط به آبیاری در آن نقطه قرار دارد. اتوبوس ۶۹ متر را نیز در فضای سبز طی می کند تا به این تأسیسات برسد که با آن برخورد می کند. از آنجایی که سرعت خودرو زیاد و شتاب آن بالا بوده است، اثر برخورد با این پایه بتنی، کف اتوبوس از قسمت جلو تا دو سوم اتوبوس را کاملاً جمع می کند. یعنی تنها یک سوم انتهای اتوبوس سالم مانده بود و از سایر بخش ها تنها سقف و پنجره ها باقی می ماند. پس از برخورد، سرنشینان که در انتهای اتوبوس تجمع کرده بودند، آن ضربه باعث پرت شدن آن ها و موجب مرگ و جراحت تعدادی از سرنشینان می شود.

مهناندار با اعلام اینکه احتمالاً تا شنسبه بتوانیم موارد را جمع بندی و نتیجه را اعلام کنیم، اظهار کرد: در شناسایی عوامل مؤثر در این حادثه چهار موضوع مدنظر ما است که باید آن ها را بررسی کنیم. خطای راننده، اشکالات و نواقص راه، اشکالات و نواقص خودرو و کوتاهی مسئولین پیمانکار و کارفرما است. در این زمینه سه تیم تشکیل شده اند، تیم کارشناسان رسمی و پلیس که حوزه تصادفات را رسیدگی می کنند، تیم کارشناسان فنی و مکانیک هستند که بحث کارشناسان فنی و مهندسی می کنند و تیم آخر نیز وی ضمن اشاره به اینکه ۲۲ آذر معاینه فنی این اتوبوس منقضی شده و از سال ۱۳۹۱ نیز جزو خودروهای فرسوده بوده است.

مهناندار درباره نظارت پلیس در این رابطه اظهار کرد: این اتوبوس ها سرویس داخلی دانشگاه هستند و پلیس هیچ کنترلی روی معابر داخلی دانشگاه ندارد. چند سالی است که مجلس قانونی را تصویب کرده که پلیس بدون هماهنگی اجازه ورود به دانشگاه ها را ندارد. آن اتوبوس نیز فقط یک صد هزار تومان جریمه داشته که مربوط به تخلف دیگری بوده است.

قرار گرفت بار دیگر شکایت خود را مطرح کرد و برای خواهرش درخواست قصاص کرد. در ادامه مینا پشت تریبون رفت و گفت: «من و خواهرم به خاطر اختلافی که داشتیم بارها با هم درگیر شده بودیم اما نمی دانم چرا این بار شدت درگیری بالا گرفت.

وی افزود: روز حادثه بعد از درگیری با وساطت دیگران به طرف ماشینم رفتم اما با فحاشی خواهرم و دخترش عصبانی شدم و در حالیکه سوئیچ ماشین دستم بود از عصبانیت به سمت صورت تشان گرفتم که ناخواسته به صورت خواهرم برخورد کرد. باور کنید قصد آسیب به چشم او را نداشتم.»

لیلا با شنیدن این ادعاها از سوی خواهرش گفت: «مینا دروغ می گوید. او وقتی سوار ماشین شد از داخل ماشین وسیله ای برداشت و با انگیزه ضربه زد»

حکم ديه

بعد از آخرین دفاع مینا هیئت قضایی بعد از شور با توجه به مدارک در پرونده و نظریه کارشناسان پزشکی قانونی مینا را از قصاص معاف و به حبس و نصف ديه محکوم کرد.

نقض حکم

پس از صدور حکم ديه برای مینا وکیل خواهرش با اعتراض به آن باز اصرار به قصاص چشم خواهر لیلار کرد. این حکم به دیوان عالی کشور فرستاده شد و با نقض آن برای رسیدگی مجدد باز به دادگاه کیفری استان تهران بازگردانده شد. بنابه این گزارش؛ مینا قرار است بار دیگر پای میز محاکمه قرار گیرد و تصمیم گیری نهایی صورت گیرد.

به دست خواهرم کور شدم و این برایم خیلی تلخ است.»

قصاص می خواهم

لیلا که حس انتقام از خواهرش در حرف هایش موج می زد وقتی در برابر باز پرس پرونده ایستاد گفت: من خواهرم رانمی بخشم و قصاص می خواهم چشم او نیز باید کور شود و من کوتاه نخواهم آمد و اصرار به این کار دارم خواهرم مدت های شد عذاب می داد و فکر می کنم باید تاوان کار هایش را بدهد. بعد از این توضیحات خواهر شاکي باز داشت شد و گفت قصد صدمه به چشم و صورت خواهرش را نداشته است.

دستگیری مینا

با اصرار لیلا به مجازات قصاص خواهرش دستور بازداشت مینا صادر شد و پلیس این زن را دستگیر کرد.

بی گناه

مینا بعد از دستگیری در بازجویی ها ادعاهای عجیبی کرد و گفت بی گناه بوده و او خواهرش را کور نکرده است. این زن در همه مراحل بازجویی ادعاهای خود را مرتب تکرار کرد و هیچ گاه نپذیرفت کوری چشم خواهرش به دست او بوده است.

کیفر خواست

با وجود اینکه مینا اصرار داشت باعث کوری لیلا نشده است باز پرس با استناد به تحقیقات پلیسی و بنا به شواهد موجود کیفر خواستی علیه این زن را صادر کرد و پرونده بعد از کامل شدن تحقیقات به شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

در دادگاه

در اولین جلسه رسیدگی به پرونده کوری چشم لیلا وقتی این زن در جایگاه

بدهم اما آنقدر زنگ زد که گوشی را برداشته و صدای عصبانی او را که پیش بینی می کردم شنیدم. لیلا با بغض ادامه داد: او اصرار داشت مقابل خانه مان بیايد من مکالمه را قطع کردم اما مینا دست بردار نبود او چند بار پی در پی تماس گرفت و من هر بار تماسش را رد می کردم تا اینکه ساعتی گذشت و متوجه شدم با دخترش مقابل خانه مان آمده است. چاره ای نبود برای جلوگیری از آبروریزی با دخترم به کوچه رفتم تصمیم داشتم فضا را آرام کنم اما برعکس شد وقتی دو خواهر همدیگر را دیدیم بگو مگو بین ما بالا گرفت و بعد با هم گلاویز شدیم همه همسایه ها دور ما جمع شدند می دیدم که آبرویم در خطر است دوست داشتم دعوا تمام شود مینا داد و بیداد می کرد البته من هم جواب می دادم مردم با میانجیگری ما را از هم جدا کردند و مینا به سمت خودروی اش رفت تصمیم این بود ما را تمام شده است اما خواهرم دست بردار بود او سوار ماشینش شد اما دست بردار نبود.» لیلا در ادامه گفت: «وقتی مینا از ماشین پیاده شد دوباره به سمت ما حمله ور شد و در حالیکه جسم نوک تیزی در دست داشت به صورت من ضربه زد. آنجا بود که صورت من خورین شد چشمانم سیاهی رفت فقط از درد ناله می کردم نمی دانستم چه بلایی سرم آمده است تا اینکه به بیمارستان منتقل شدم پزشکان گفتند کار از کار گذشته و باید چشم چیم تخلیه شود اصلاً نمی خواستم این بالا را باور کنم من

صحنه حادثه مینا که باور نداشت خواهرش را به روزگار بدی دچار کرده باشد دستگیر شد و تحت بازجویی قرار گرفت.

مینا که تصور نمی کرد تا دقایقی دیگر یک ماجرای تکاندهنده رخ خواهد داد در ابتدا با ادعاهایی مبنی بر اینکه دعوا خواهرانه بوده سعی کرد اتفاق را خانوادگی جلوه دهد.

کوری چشم لیلا

هنوز تحقیقات در این مرحله بود که مسئولان بیمارستان در تماس با پلیس خبر بدی را به آنها دادند یکی از چشمان لیلا بخاطر شدت جراحتی که مینا به او وارد کرده بود کور شد و پزشکان آن را تخلیه کردند.

اختلاف قدیمی

لیلا در بیمارستان بستری بود تا اینکه بعد از بهبودی و تخلیه چشم ترخیص شد و در نخستین اقدام شکایت جدی را از خواهرش به پلیس ارایه کرد.

این زن که باور نداشت کور شده است و بقیه عمرش را باید با یک چشم زندگی کند با گریه به افسر تحقیق گفت: «سال ها با خواهرم مینا اختلاف داشتم و بارها با هم درگیر شده بودیم. هر کاری می کردم مینا کوتاه نمی آمد او خیلی بی احترامی می کرد و به هر بهانه ای با من درگیر می شد خیلی ها از فامیل و دوست و آشناسی کردند ما آشتی کنیم اما نشد هر دوی ما علاقه ای به خواهر بودن با هم نداشتم اما همیشه شروع کننده مینا بود.

وی افزود: روز حادثه مینا باز با عصبانیت به من زنگ زد فهمیدم باز دعوایی در راه است نمی خواستم جواب



خیلی زود تیمی از ماموران وارد عمل شدند و خود را به محله ای که با این دعوا پریهاوش شده بود رساندند. بررسی های میدانی پلیس نشان داد که شدت دعوای ۳ خواهر بسیار زیاد بوده به طوری که در خانه شان آثاری از خون دیده می شد و ماموران دریافتند زن ۴۵ ساله ای به نام لیلا در جریان درگیری با خواهرش از ناحیه چشم به سختی آسیب دیده و بار سیدین اورژانس این زن برای درمان به نزدیکترین بیمارستان انتقال یافته است. در همان

گروه حوادث: خواهری که یکی از چشم هایش در دعوی خواهرانه کور شده است اصرار به قصاص دارد. این زن می خواهد چشم خواهرش کور شود و دادگاه کیفری در حال بررسی آن است.

دعوی خواهرانه

هشتم مردادماه سال درگیری وحشتناکی در ورامین رخ داد که در آن ۲ خواهر بی رحمانه به جان هم افتادند. وقتی ماجرای این جدال خانوادگی به پلیس کلاتری ورامین مخابره شد

خبر

یکی از آدم رباها در پرونده قتل متهم بود

آدم ربایی مسلحانه در قرار شوم

گروه حوادث: دو جوان سابقه دار با در دست داشتن تفنگ و چاقو اقدام به سرقت پژو ۲۰۶ کردند.

صاحب خودرو قصد فروش خودرویش از طریق سایت دیوار را داشت که در دام این دو زورگیر خشن گرفتار شد. چندی قبل پسر جوانی همراه یکی از دوستانش پای در دادسرای امورجنایی تهران گذاشت و از ماجرای گرفتار شدن در دام دو زورگیر مسلح پرده برداشت.

پسر جوان به باز پرس پرونده اش گفت: قصد فروش خودروی پژو ۲۰۶ سفید رنگ را داشتم که برای فروش آن را در سایت دیوار آگهی کردم و در این مدت افراد زیادی برای خرید مشاهده خودرو با من تماس گرفتند و مشتریانی زیادی در محل قرار آمدند تا اینکه یک روز پسر جوانی با من تماس گرفت.

وی افزود: همه چیز عادی به نظر می رسید و

به اطراف تهران بردند و پس از سرقت خودرویم ما را در بیابان های اطراف تهران رها کردند.

تحقیقات پلیسی

با توجه به مسلح بودن سارقان تیمی از ماموران پلیس آگاهی تهران به دستور باز پرس پرونده برای دستگیری متهمان وارد عمل شدند و در گام نخست تیم پلیسی شماره پلاک پژو ۲۰۶ در سیستم سراسری پلیس ثبت شد.

تجسس های پلیسی ادامه داشت تا اینکه روز سه شنبه چهار دی ماه امسال ماموران گشت پلیسی در کرج به ۲ پسر جوان سوار بر خودروی پژو ۲۰۶ مشکوک شدند.

تیم پلیسی در این مرحله شماره پلاک خودروی دو پسر جوان را مورد بررسی قرار دادند و مشخص شد که این دو جوان همان سارقان مسلح هستند.

ماموران در عملیاتی غافلگیرانه موفق به توقف خودروی دو پسر جوان شدند و پس از

پسر جوان خواست تا برای دیدن خودرویم یک قرار ملاقات هماهنگ کند که من مثل دیگر مشتریان یک قرار با پسر جوان هماهنگ کردم. سعید ادامه داد: عصر چهارشنبه ۲۸ آذر ماه همراه دوستم علی سوار بر خودرویم شدیم و با هم به محل قرار رفتیم. پسر جوان که کامران نام داشت همراه یکی از دوستانش در محل قرار حاضر شد که ابتدا شروع به بررسی بدنه خودرو کرد و سپس خواست تا پشت فرمان بنشیند و از نظر فنی، خودرو را مورد بررسی قرار دهد. سعید گفت: کامران پشت فرمان خودرو نشست و همگی سوار بر خودرو شدیم و دقایقی در خیابان ها پرسه زدیم تا اینکه پسر جوان وارد یک خیابان خلوت شد و پس از توقف ناگهان دوست کامران یک تفنگ از زیر لباس بیرون کشید و کامران نیز دست به چاقو شد. شوکه شده بودیم و دو پسر جوان خواستند ساکت و بدون حرکت باشیم که در ادامه آنها ما را



محل قرار رفتیم و پس از تهدید کردن صاحب خودرو و پسر جوانی که همراهش بود دست به سرقت پژو ۲۰۶ زدیم و چون آنها را تهدید کرده بودیم شکایت نکنند فکر نمی کردیم دستگیر شویم. بنا به این گزارش، دو سارق مسلح برای تحقیقات بیشتر و شناسایی دیگر جرائم شان در اختیار ماموران پلیس آگاهی تهران قرار گرفتند.

دستگیری تفنگ کلت کمری زورگیران مسلح نیز به دست آمد.

اعتراف به زورگیری مسلحانه

پسر جوان که در سابقه تبهکاری اش معاونت در قتل دارد گفت: پس از آزادی با کامران که از سارقان سابقه دار است آشنا شدم و برای خوشگذرانی نیاز به خودرو داشتم تا اینکه تصمیم به زورگیری مسلحانه گرفتیم. وی افزود: روز سرقت همراه کامران به

خوب طراحی شده بود و با توجه به اینکه سناریوی تازه ای بود کسی به ما شک نمی کرد و از مانیکه تبلیغات خود را در شبکه های مجازی مختلف انتشار دادیم افراد زیاد به ما مراجعه کردند.

مرد جوان گفت: طعمه هایمان وقتی برای کار در قطر به شرکت مراجعه می کردند مدارک خود را در زمینه کار در مشاغل مختلف ارائه می دادند و سپس ما برای اینکه کارهای اداری آنها را انجام دهیم ادعا می کردیم که برای انجام کارهای اداری و انتقال آنها به قطر باید پول به حساب بریزند که آنها نیز با اعتمادی که به شرکت کرده بودند اقدام به واریز مبلغ مختلفی به حسابمان می کردند. وی افزود: قصد داشتیم چند هفته دیگر به این کلاهبرداری ها ادامه دهیم و ناپدید شویم اما قبل از فرار دستگیر شدیم. امیر گفت: هر وقت مشتری ناامان درباره زمان سفر سوال می کردند ادعا می کردیم تا آخر ماه دی کارهای آنها انجام شده و به قطر منتقل می شوند. فکر نمی کردم در این مدت کسی به ما شک کند. بنا به این گزارش، متهمان برای تحقیقات بیشتر در اختیار ماموران پلیس تهران قرار گرفته اند.



بی گناه معرفی کنند اما وقتی در برابر مدارک پلیسی و طعمه هایشان قرار گرفتند به ناچار لب به سخن باز کردند. امیر ۴۵ ساله به ماموران گفت: چون وضعیت کار و بازار خراب است با طراحی این نقشه تصمیم به کلاهبرداری گرفتیم.

وی افزود: نقشه کار در کشور قطر برای ساخت و ساز ورزشگاه های فوتبال برای جام جهانی ۲۰۲۲ قطر خیلی

بررسی نشان از آن داشت که این شرکت که خود را نماینده یک شرکت قطری برای ساخت و ساخت و ساز ورزشگاه های فوتبال برای جام جهانی ۲۰۲۲ قطر نیاز به نیروهای پیمانکار دارند و به این بهانه اقدام به کلاهبرداری از آنها کرده اند.

تیم پلیسی ادامه بی بردند افرادی برای کار به این شرکت مراجعه کرده و برای شروع کار اقدام به پرداخت پول و مدارک کرده اند اما با گذشت زمان هیچ کاری برای آنها پیدا نشده و به کشور قطر سفر نکرده اند.

بدین ترتیب ماموران قبل از فرار متهمان موفق به شناسایی دفتر کار دو مرد کلاهبردار در منطقه تهرانسر شدند و در عملیاتی غافلگیرانه ۲ متهم کلاهبردار دستگیر شدند و دفتر آنها پلمپ شد.

دو مرد فریبکار که ۲۸ ساله و ۴۵ ساله هستند ابتدا سعی داشتند خود را در ماجرای کلاهبرداری

گروه حوادث: دو مرد فریبکار به بهانه کار در کشور قطر دست به کلاهبرداری میلیونی از طعمه هایشان می زدند. چندی قبل مردی با مراجعه به اداره پلیس تهران از سناریوی عجیب دو مرد در یک شرکت نظافت اماکن خصوصی در غرب تهران خبر داد.

با توجه به اظهارات مرد جوان، تیمی از ماموران کلاتری ۱۵۰ تهرانسر برای تحقیقات پلیسی وارد عمل شدند.

ماموران در این شاخه از تحقیقات پی بردند که ۲ مرد با ثبت یک شرکت نظافت اماکن خصوصی و ارائه مدارک و اسناد جعلی خود را به عنوان نماینده یکی از شرکت های قطری که پیمانکار ساخت ورزشگاه ای جام جهانی ۲۰۲۲ قطر است معرفی کردند و اقدام به انتشار آگهی درخواست نیرو کرده اند.

پلیس تهران فاش کرد

دام دومرد برای ایرانیان در جام جهانی قطر